



مکتب روحانی مشاورهٔ مسیحی
بیش از رستگاری

**A Theology of
Christian Counseling**
More than Redemption

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی
ویرایش: فرح صفوی

پیشگفتار مترجم

شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب "مقاضی" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور" نامیده شده است.
شاهرخ صفوی

فصل های کتاب

فصل اول:	نیاز مکتب روحانی در مشاوره مسیحی
فصل دوم:	مکتب روحانی و مشاوره
فصل سوم:	اصول کلام خدا - مشاوره و مکاشفه مخصوص
فصل چهارم:	اصول خدا - مشاوره مسیحی و اساس محیط انسان
فصل پنجم:	اصول خدا - نام خدا و مشاوره مسیحی
فصل ششم (بخش ۱):	اصول خدا - مشاوره مسیحی و دعا
فصل ششم (بخش ۲):	اصول خدا - مشاوره مسیحی و دعا
فصل هفتم:	اصول خدا - مشاوره مسیحی و اصل تثلیث
فصل هشتم (بخش ۱):	اصول انسان - مشاوره مسیحی و زندگی انسان
فصل هشتم (بخش ۲):	اصول انسان - مشاوره مسیحی و زندگی انسان
فصل نهم:	اصول انسان - مشاوره مسیحی و گناه انسان
فصل دهم:	اصول انسان - مشاوره مسیحی و عادت
فصل یازدهم:	اصول انسان - چگونه گناه بر افکار تاثیر می گذارد
فصل دوازدهم:	اصول رستگاری - بیش از رستگاری
فصل سیزدهم (بخش ۱):	اصول رستگاری - بخشش و مشاوره مسیحی
فصل سیزدهم (بخش ۲):	اصول رستگاری - بخشش و مشاوره مسیحی
فصل چهاردهم:	اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و زندگی نو
فصل پانزدهم:	اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و میوه روح القدس
فصل شانزدهم:	اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و ریشه کنی
فصل هفدهم:	اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و استقامت
فصل هجدهم:	اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و رنج
فصل نوزدهم:	اصول کلیسا - مشاوره مسیحی و کلیسا
فصل بیستم:	اصول کلیسا - مشاوره ایمانداران جدید
فصل بیست و یکم:	اصول کلیسا - مشاوره مسیحی و انضباط کلیسا
فصل بیست و دوم:	اصول کلیسا - مشاوره مسیحی و اعمال رحیم
فصل بیست و سوم:	اصول آینده - مشاوره مرگ و افراد در حال مردن
فصل بیست و چهارم:	اصول آینده - مشاوره مسیحی و قضاوت
فصل بیست و پنجم:	خلاصه مطالب

فصل پانزدهم

اصول پاکسازی (ادامه)

مشاوره و میوه روح القدس

چنان که قبلاً گفتیم^(۱)، همه عطایای روح القدس به هر ایماندار داده نشده ولی، میوه روح القدس در دسترس همه آنها هست. حذف پاکسازی نه تنها بیرون ساختن اعمال و افکار نفسانی است، بلکه جایگزین کردنشان با اعمال و افکار روحانی است، و این میوه روح القدس می باشد. ابتدا لازم است تحلیلی در خصوص کلمه میوه انجام دهیم. میوه فرض بر آن دارد که درخت زنده ای نیز در کار است؛ منظور این است که میوه روح القدس نمی تواند در بی ایمانان وجود داشته باشد. میوه روح القدس در کسانی پرورش می یابد که روح القدس را دریافت کرده اند (روح القدس ساکن در ایشان است).

ما که به عیسی مسیح پیوسته ایم، تعلق به روح القدس داریم. ما باغ میوه او هستیم! میوه ای که او بار می آورد، نه تنها حرمت و جلال به پدر می دهد، بلکه همچنین به پسر و روح القدس. خصوصیات این زندگی، شامل مطالبی است که در غلاطیان ۵: ۲۲ و ۲۳ به عنوان "میوه" نام برده شده اند:

غلاطیان ۵

۲۲: اما ثمره روح،

محبت، شادی، آرامش، صبر، مهربانی، نیکوئی، وفاداری،

۲۳: فروتنی و خوشتنداری است.

هیچ شریعتی مخالف اینها نیست.

علاوه بر این، میوه گویای رشدی می باشد که به آرامی و به تدریج عمل می آید. انسان می تواند کمک کند و وارد عمل بشود، ولی نمی تواند آن را آغاز کند، و نه اطمینانی از برآمد آن داشته باشد. میوه را نمی توان ساخت، ولی می توان در رشد آن نفوذ داشت. هر میوه ای، نیاز به وقت کافی خود دارد تا کامل شود، و بایاری ایماندار می تواند زودتر به کمال برسد. مشاوران مسیحی نیز خادمان باغ روح القدس هستند که شریک کار فیض و حکمت خدا می شوند. در نتیجه، از کلمه میوه می توانیم چنین برداشت کنیم که رشدی جامع (از هر لحاظ) و کامل دارد، و نیاز به کوشش و دلباختگی متقاضی نیز دارد.

در فصل قبل گفته شد، که پاکسازی اصلی است که خدا و انسان هر دو در آن شریک می باشند. روح القدس ایماندار را چنان توانا می کند که میوه را خودش، در زندگی بدست آورد. ولی پولس در غلاطیان ۵: ۲۲ اشاره می کند که پایه و اساس کار روح القدس است و ایماندار در کار، تنها شریک می شود. ایماندار شریک و فعال هست، ولی اگر بخواهیم بدانیم فعالیت او چگونه است، باید ابتدا بدانیم "پارسائی، نشاط، صلح، صبر، مهربانی، نیکوئی، وفاداری، فروتنی و خوشتنداری" چه هستند، و چگونه عمل می کنند. و چون آیه خاصی برای هر یک وجود ندارد، باید به آیات دیگری در این زمینه روی آوریم. اگر چنین نکنیم مرتکب اشتباه بزرگی می شویم، چون در ابتدا بنظر می رسد که این آیات خواستار دور شدن از جامعه (راهبه) را می رسانند

که تنها انتظار کار خدا را می کشند تا میوه را به ثمر آورد. ممکن است این روحیه را در عهد قدیم دیده باشیم، ولی عهد جدید کاملاً مخالف آن است. ابتدا دو آیه زیر را در نظر بگیریم:

اول تیموتاوس ۶

۱۱: اما تو ای مرد خدا، از اینها همه بگریز،

و در پی پارسائی و دینداری و ایمان و محبت و پایداری و ملایمت باش.

دوم تیموتاوس ۲

۲۲: از امیال جوانی بگریز،

و به همراه آنان که با دلی پاک خداوند را می خوانند،

در پی پارسائی، و ایمان و محبت و صلح باش.

معلوم است خصوصیات این دو آیه (و حتی بعضی کلمات) با آنچه در غلاطیان ۵ آمده یکی هستند. اما به نکته ای که در اینجا هست توجه کنید، پولس به تیموتاوس می گوید “در پی” اینها باش. نتیجتاً، میوه روح القدس شامل چالش انسان نیز می باشد؛ میوه بدون “در پی” آن بودن بوجود نمی آید. در پی میوه بودن قسمت عمده ای از فعالیت مشاوره مسیحی نیز می باشد. لازم است بدانیم چگونه در پی میوه باشیم و چگونه روح القدس در زندگی ایمانداران میوه می آورد. قبل از آنکه به بحث خصوصیات بپردازیم، باید ابتدا ببینیم “در پی” میوه بودن چه معنی دارد؟

“در پی” میوه در مشاوره مسیحی

کسب میوه روح القدس از اهداف اصلی مشاوره مسیحی است. خصوصیات مانند محبت، صلح، نشاط، و غیره را همه می خواهند، چون اصول حیاتی را تشکیل می دهند، ولی اگر مشاوران بخواهند متقاضیان دسترسی به این خصوصیات پیدا کنند، لازم است خودشان نام و معنی هر یک را بدانند، تا بتوانند همراه متقاضی در “پی آن” بروند. مشاوران لازم است بتوانند ضعف و ناتوانی که بخاطر فقدان این خصوصیات پدید آمده را تشخیص دهند، و هر یک از خصوصیات را نیز بتوانند عمیقاً شرح دهند. در خلاصه باید تکرار کنم، با میوه روح القدس باید کاملاً آشنا باشند(۲).

مطالب زیادی در دنیا راجع به شخصیت انسان نوشته شده، اما حتی مشاوران مسیحی نتوانستند انبوه مطالبی که در کلام خدا راجع به شخصیت مسیحی نوشته شده را جمع آورند. از آنجا که نمی توانم وارد بحث گسترده ای (یا قطعی) راجع به شخصیت در کلام خدا بپردازم، لازم می دانم چند نکته راجع به آنچه خدا در کلامش راجع به شخصیت انسان گفته صحبت کنم، خصوصاً در مورد شخصیت هائی که برای مسیحیان امکان پذیر هست (راجع به آدم از جلال افتاده بقدر کافی صحبت کرده ام). جای تاسف است که تا بحال کسی حتی به گونه ابتدائی اطلاعاتی که در این رابطه، در کلام خدا موجود می باشد را مورد نظر قرار نداده است. برای این کاری لازم است ابتدا شخصیت انسان را از تولد مطالعه کنیم، سپس رشد شخصیت را جدا از عیسی مسیح ببینیم، و آخر، حیات جدید و رشد شخصیت در مسیح را بشکافیم. اما قبل از هر چیز به دو مورد مهم زیر توجه کند:

۱. کلام خدا در همه جا شخصیت را در حال تغییر می شمارد. هیچ کس در هر برحه از زمان زندگیش، در شخصیت خاصی گیر نمی کند (دائماً در حال تغییر می باشد). شخصیت مسیحی، شامل طبیعتی است که انسان با آن به دنیا می آید (phusis)، چگونه از آن برای خیریت زندگی خود استفاده می کند، و علاوه بر این، چگونه خدا، او و زندگی او را تا به اکنون تغییر داده است.

۲. این قابلیت تغییر نیز، امکان کمک مشاوران را (برای ایجاد تغییر شخصیت) باز می گذارد (البته مشروط بر آنکه کلام خدا را بخوبی در دسترس خود داشته و متقاضیان نیز به آن وابسته باشند). میوه روح القدس را می توان بطور ساده در تک تک خصوصیات و مشخصات یک شخصیت مسیحی دانست، و کسی که آموخته چنین میوه ها را به وفور در زندگی بدست آورد، نیازی به مشاوره ندارد (مگر گهگاهی نیاز به راهنمایی داشته باشد). در نتیجه، ”در پی“ میوه بودن همان ”در بر کردنی“ است که پولس صحبت از آن کرده (۳).

حال باید پرسید، روح القدس چگونه میوه می آورد، و مشاوران چگونه می توانند کمک کنند تا متقاضیان ”در پی“ آن باشند؟ به این دو سؤال (چگونه میوه می آورد و چگونه می تواند کمک کرد)، می توان یک جواب را داد، چون دو جانب از یک سؤال می باشند. جواب ساده و کوتاه این است که میوه روح القدس در دعا و اجرای کلام خدا پرورده، و به ثمر می رسد. کلمه ”در پی“ (dioko) که در اول تیموتائوس ۶: ۱۱ و دوم تیموتائوس ۲: ۲۰، مشاهده می کنیم، در لغت نامه سترانگ (Strong's Numbers) معنی کوشیدن در راه، جهش به راه، و حتی جفا دیدن را نیز دارد. این نشان می دهد که ایماندار چه قدر باید خواهان ”میوه بسیار“ باشد. این کلمه (dioko) در مجموع، صحبت از تابعیت، پافشاری، اهمیت، و کوشش واقعی شخص می کند. بعنوان مثال، ”ملایمت“ (یا آرامش) را در نظر بگیریم. چگونه یک مسیحی می تواند آرامش داشته باشد؟ در فیلیپیان ۴: ۶ تا ۹، می بینیم که آرامش (در مقابل نگرانی) سه مرحله دارد. این مراحل شامل در آوردن و در بر کردن می باشند، اما توجه داشته باشید که آرامش میوه ایست که با کوشش و بردباری (مشاور و متقاضی) باید ”در پی“ آن بود. میوه ایکه پرورده خدا است، غیر ممکن ها را ممکن می سازد، اما در صورتی که اطاعت و پشتکار بودن خود ایماندار نیز در کار بوده باشد. برکت دیگر از آسمان نمی بارد، چون آسمان مدتی پیش در ایماندار ساکن گردیده. خدای خالق، پروره خود را در دست می گیرد و روح القدس کار را انجام می رساند.

فیلیپیان ۴

۶: برای هیچ چیز نگران نباشید،

بلکه در هر چیز با دعا و استغاثه،

همراه با شکر گزاری،

در خواستهای خود را به خدا ابراز کنید.

۷: بدین گونه، آرامش خدا که فراتر از تمامی عقل است،

دلها و ذهنهایتان را در مسیح عیسی محفوظ نگاه خواهد داشت.

۸: در پایان، ای برادران،

هر آنچه راست است،

هر آنچه والاست،

هر آنچه درست است،

هر آنچه پاک است،

هر آنچه دوست داشتنی و
هر آنچه ستودنی است، بدان ببندیشید.
اگر چیزی عالی است و شایان ستایش، در آن تامل کنید.
۹: آنچه از من آموخته و پذیرفته اید
و هر آنچه از من شنیده و یا در من دیده اید،
همان را به عمل آورید، که خدای آرامش با شما خواهد بود.

می گوید:

۱. برای مسائل خود دعا کنید (۶ و ۷). دل باید از بار زندگی آزاد باشد تا بتواند تغییر را بپذیرد. خدا ما را با بار دلمان می پذیرد، اما می خواهد مسئله (بار) گفته شود تا راه حل نیز مکتشف گردد. "ابراز" یعنی گفتن. و چون خدا گفته "یوغ مرا بر دوش گیرید"، یوغ دنیا (بار زندگی) باید از دوش ما برداشته و بدوش مسیح گذاشته شود. زمانی که ما "یوغ مسیح" را در هر موردی بگردن می گیریم، زمانی است که میوه روح القدس را دریافت خواهیم کرد. و چون اطمینان داریم که خدا همانطور که قبلاً برکت داده، دوباره نیز برکت خواهد داد، "با شکرگذاری" در پیشگاهش خواهیم آمد. شکرگذاری بخاطر این نیست که از او چیزی می خواهیم (یا بالاخره باید شکرگذار بود!). خدا می خواهد به راستی او را شکرگذار باشیم، نه خیالی. مسیحیان اشتباهاً فکر می کنند آیه ۸ اتمام موضوع است. در صورتی که آیات ۹ و ۱۰ نیز راجع به بدست آوردن آرامش صحبت می کنند. دعا تنها مرحله (پله) اول می باشد. البته ابتدا لازم است با روح القدس در تماس بود (دعا) تا بتوان از او برداشت کرد. خدا در دعا ما را از حضور خود آگاه می کند و به این خاطر می توانیم با ایمان با او صحبت کنیم و درخواستهایمان را بگوئیم. ولی، دو مرحله دیگری نیز در کار می باشند.

۲. پاکسازی دل و افکار (آیه ۸). بطوری که قبلاً گفته شد، بیرون راندن افکار نگران کافی نیست. اگر جایش خالی بماند، نگرانی های بیشتری سراغ ما خواهند آمد. در نتیجه، باید آنچه در آیه ۸ نام برده شده را در دعا از خدا بخواهیم جایگزین نگرانی های ما کند. راه این است که به "هر آنچه راست است، هر آنچه والا است، هر آنچه درست است، هر آنچه پاک است، هر آنچه دوست داشتنی و هر آنچه ستودنی است، بدان ببندیشید. اگر چیزی عالی است و شایان ستایش، در آن تامل کنید". منظور از "در آن تامل کنید"، این است که در فکرمان داشته باشیم و در انتظار دریافت آن بمانیم تا روح القدس آن را در ما پرورش دهد. پاکسازی یعنی آزاد شدن از خصوصیات که با آنها به دنیا آمديم، و پرورش خصوصیات جدید خدا.

۳. آیه (آیه ۹) اهمیت داشتن الگوئی را در زندگی روحانی نشان می دهد. زندگی مسیحی را باید آموخت و برای بعضی متقاضیان لازم است روزهایی را در کنار مسیحیان رشد کرده بگذرانند تا روح القدس ابعاد بیشتری از زندگی متقاضی را فرا گیرد. مشاوران خود نمی توانند این خدمت را بعهده گیرند، ولی می توانند از کشیشها، مشایخ، شماسان، و دیگر مسیحیان با تجربه بخواهد چنین خدمتی را بدوش گیرند. زمانی که متقاضیان خود از فیض خدا در دیگر مسیحیان بهرمند شدند، آنوقت "خدای آرامش" با آنها خواهد بود.

حال می بینیم آرامش خدا طبیعتاً با آنچه در دنیا رواج دارد فرق زیادی دارد. آرامش خدا در اطاعت و پیروی از کلام خدا بدست می آید.

تکلیف مشاور این است که متقاضی را در مسیر صحیح کسب این صفات راهنمایی کند. معمولاً متقاضیان انتظار دارند هر چه هست را سریع دریافت کنند (و فکر می کنند اگر همین حال آن را بدست نیاورند، هیچوقت بدست نخواهند آورد). عادت کرده اند آنچه می خواهند را خودشان دنبالش بروند و هر چه زودتر نیز بدست آورند (چه با حُقه یا گلک). در صورتی که خواسته های روحانی پدیده روح القدس می باشند که زمان آن را او در دست دارد. یکی از صفات خدا صبر می باشد.

در صبر، رضایت خاطر نیز جای دارد (ایمان). صبر و ایمان به آینده مطلوب خداست، که روح القدس ایماندار را در راه تغییر لازم هدایت می کند. این ”راه“، نیز بطوری که گفته شد با توبه آغاز می شود و با سمر میوه پایان می یابد.

میوه ای که ما در پی آن هستیم

میوه، تغییری است که خدا در انسان بار می آورد. بطوری که قبلاً گفتیم، این تغییرات نیز شامل صفاتی می باشند که در غلاطیان ۵، اول تیموتائوس ۶: ۱۱، و دوم تیموتائوس ۲: ۲۲ (که جامع می باشند، اما نه کامل) نام برده شده اند.

غلاطیان ۵

۲۲: اَمَّا ثَمَرَةُ رُوحٍ، محبت، شادی، آرامش، صبر، مهربانی، نیکوئی، وفاداری،
۲۳: فروتنی و خویشنداری است. هیچ شریعتی مخالف اینها نیست.

اول تیموتائوس ۶

۱: اما تو ای مرد خدا، از اینها همه بگریز، و در پی پارسائی و دینداری و ایمان و محبت و پایداری و ملایمت باش.

دوم تیموتائوس ۲

۲۲: از امیال جوانی بگریز، و به همراه آنان که با دلی پاک خداوند را می خوانند، در پی پارسائی، و ایمان و محبت و صلح باش.

غلاطیان ۵	اول تیموتائوس ۶: ۱۱	دوم تیموتائوس ۲: ۲۲
۱. محبت	محبت	محبت
۲. نشاط		
۳. آرامش		آرامش
۴. صبر		
۵. مهربانی		
۶. نیکوئی		
۷. ایمان / ایمانداری	ایمان / ایمانداری	ایمان / ایمانداری
۸. فروتنی	فروتنی	

پارسائی	پارسائی دینداری پایداری	۹. خویشنداری ۱۰. ۱۱. ۱۲.
---------	-------------------------------	-----------------------------------

از جمیع این دوازده خصوصیات، می توانیم به شخصیت یک مسیحی پی ببریم. این فهرست با وجود آنکه جزئی از خصوصیات مسیحیان را نام برده، مسیری را نشان می دهد که کلام خدا در عهد جدید به جانب آن پیش می رود. شکل و رفتار هر یک در ایمانداران فرق می کند. اما قدر مسلم تغییر در هما جا وجود دارد. حال باید دید این خصوصیات چه هستند.

۱. محبت

این کلمه را در هر سه آیه می بینیم، و این نشانه اهمیت و اولویتی است که پولس به آن داده (همچنین وفاداری). در باره محبت (**agape**)، کتاب های بسیاری منتشر شده (چون محبت خدا ابعاد وسیعی دارد) و جمیعاً قابل استفاده هستند، ولی پولس با زیبایی خاصی آن را در اول قرنهای ۱۳ نشان داده (۴). و چون موضوع فراتر از امکاناتی است که من دارم (و حتی بشر)، نمی توانم چیزی جز یک زیر نویس (۵) به آن اضافه کنم. در خلاصه می توان گفت، محبتی که مورد نظر می باشد (میوه) را روح القدس به وجود می آورد. انسان نمی تواند بدون وجود او، محبت خدا را بدست آورد.

رومیان ۵

۵: و این امید به سرافکندگی ما نمی انجامد،
زیرا محبت خدا توسط روح القدس که به ما بخشیده شده،
در دلهای ما ریخته شده است.

در مجموع می توان گفت، نیاز به شناخت و زیستن با خدا و شراکت با همسایگان است، که زمینه را باز می گرداند تا روح القدس کارش را انجام رساند. نیاز، بستگی به خواندن کلام دارد.

اشعیا ۵۵

۱۱: همچنان خواهد بود کلام من که از دهانم صادر می شود؛
بی ثمر نزد من باز نخواهد گشت،
بلکه آنچه را خواستم به جا خواهد آورد،
و در آنچه آن را به انجامش فرستادم
کامران خواهد شد.

هر چه کلام را بخوانیم، امکانش بیشتر است که وارد زندگی ما بشود و ما را دگرگون کند. اما این شامل احساسات ما نمی باشد (و نباید گذاشت دخالت داشته باشد)، چون احساسات ما عامل

اصلی زندگی گذشته ما بوده (احساس گرائی) و مخالف هر تغییری خواهد بود. احساسات قبلی ما با مخالفت به خدا عادت کرده بود. باید بتوان بر احساسات مخالف با کلام غلبه کرد. همه می دانیم که پس از چالش کوتاهی در مسیر کلام، احساسات نیز تغییر خواهد کرد و جانب کلام (احساس خوب روزانه) را خواهد گرفت. اما در همین فاصله کوتاهی (مدت) که در راه خدا چالش می کنیم، شیطان وارد عمل می شود. در گذشته، مقصر واقعی، آشنایانی بودند که متقاضی با آن ها رفت و آمد داشت (و با قطع رابطه از میان می رفت). اما امروزه، زندگی تحت تاثیر رسانه های مختلف اجتماعی شده و به همان اندازه کار شیطان نیز وسعت یافته. مشاوران از این پس لازم است از نفوذی که ارتباطات جمعی بر متقاضیان دارند را بررسی کنند. خلاف خواست خدا در همه جا منتشر شده و تاثیر آن باید در زندگی متقاضی شناخته شده و کنده شود. محبت خدا نسبت به انسان به گونه ای بود که قدم اول را خدا برداشت، و با شراکت انسان محبت واقعی پدید آمد. به این شکل است که همسر بی لیاقت خود را می توان با محبت بی ریای خدا، لمس کرد. ابتدای تغییر معمولاً با سختی رو برو می شود (احساسات قبلی و اکنش نشان می دهند)، ولی با آنچه خدا می گوید ”پایداری“، به اتمام می رسد.

۲. نشاط

زندگی مسیحی پر از نشاط است. نشاط، ۶۰ بار در عهد جدید، و ۷۲ بار به عنوان فعل در عهد قدیم از آن نام برده شده و نشانه روحیه و اعتماد عمیقی است که در مسیحیان وجود دارد. شباهت آن را در خاصیت دنیوی آن، ”خوشحالی“ می توان یافت، با فرق عمده ای که نشاط دائمی است (چون خدا دائمی است).

يعقوب ۱

۲: ای برادران من،

هر گاه با آزمایشهای گوناگون رو به رو می شوید،
آن را کمال شادی بینگارید.

ایماندار در حالی که مسئله یا مشکلی دارد می تواند شاد ”چارا“ (chara) باشد، چون خدا او را دارد می سازد. منظور از ”آزمایشها“ در این آیه، مسائل و مشکلات زندگی است که پیش می آیند (و روح القدس می خواهد از مینا بردارد). می گوید، ”کمال شادی بینگارید“، چرا! چون برکت خدا است که در راه است. چون بار عیسی است که بدوش می کشند و تحملش را از حاکمیت او دریافت خواهند کرد. چون زهر مار است که از بدن خارج می شود، و بهشت خدا است که جایگزین آن می گردد. و زمانی که ما از عظمت کاری که خدا در ما کرده پی می بریم، آنوقت بی درنگ به جانب او می شتابیم و او را در بغل می گیریم و نشاط ما لبریز می شویم. آن هنگام از حالمان خبر نداریم (که بگوئیم خوشحال هستیم یا نیستیم)، چون نشاط تمام وجود ما را فرا گرفته.

يوحنا ۱۵

۱۰: اگر احکام مرا نگاه دارید،
در محبت من خواهید ماند؛
چنانکه من احکام پدر خود را نگاه داشته ام
و در محبت او می مانم.
۱۱: این سخنان را به شما گفتم
تا شادی من در شما باشد
و شادی شما کامل شود.

از این آیات سه مورد مهم بدست می آید:

۱. این نشاط تنها در مسیح وجود دارد.
۲. این نشاط از جانب مسیح صادر می گردد ("تا شادی من در شما باشد و شادی شما کامل شود").
۳. اما از طرفی می بینیم که نشاط، از طریق اجرای کلام ("اگر احکام مرا نگاه دارید") بدست می آید. خود به خود نیست (اتوماتیک - بنشینیم و منتظر آن باشیم). نشاطی است که ایماندار پس از اجرای حکمی از خدا بدست می آورد ("اگر احکام مرا نگاه دارید"). "نگاه داشتن" یعنی انجام دادن (عمل رساندن). بعضی مسیحیان چون می دانند خدا نیازی به کمک انسان ندارد، فکر می کنند لازم نیست کاری انجام دهند. اما اگر اینطور است، چرا عیسی به مسیحیان می گوید ("اگر احکام مرا نگاه دارید")؟ فکر می کنم اشکال در برداشتی است که بعضی مسیحیان از خدا دارند. درست است که تمام کارها را خدا خود انجام می رساند (بخاطر محدودیتی که در ما است)، ولی وقتی خدا راجع به بردباری، استقامت، و قدرتی که از روح القدس صادر می گردد صحبت می کند، می خواهد ما را شریک و بهرمند از کار او نیز بشوند.

يعقوب ۱

- ۲۲: به جای آورنده کلام باشید،
نه فقط شنونده آن؛
خود را فریب مدهید!
۲۳: زیرا هر کس که کلام را می شنود
اما به عمل نمی کند،
به کسی ماند که در آینه به چهره خود می نگرد
۲۴: و خود را در آن می بیند،
اما تا از برابر آن دور شود،
از یاد می برد که چگونه سیمایی داشته است.
۲۵: اما آن که به شریعت کامل که شریعت آزادی است چشم دوخته،
آن را از نظر دور نمی دارد،
و شنونده فراموشکار نیست.
بلکه به جای آورنده است،
او در عمل خویش خجسته خواهد بود.

متقاضیان باید بدانند که نه تنها چنین صفاتی در وجود خدا است، بلکه خواست خدا این است که یکایک آنها را نیز بدست آورند. زمانی که مسئله یا مشکلی در زندگی ایجاد می گردد، ندای خدا نسبت به گناهی است که باید از میان برداشته شود تا خدا جایش را بگیرد. دوران "آزمایش" کلام خدا، صحبت از زمانی می کند که تغییر و تحولی در حال انجام شدن است. در این دوران، بحران فکری و روحی نیز ممکن است جریان داشته باشد. به همین خاطر خدا مشاوران مسیحی را تربیت کرده تا مسیحیان را در این راه حمایت و هدایت کنند.

اول پطرس ۱

۶: و در این بسیار شادمانید،

هر چند اکنون زمانی کوتاه بنا با ضرورت

در آزمایشهای گوناگون غمگین شده اید،

۷: تا اصالت ایمانتان در بوطه آزمایش به ثبوت رسد

و به هنگام ظهور عیسی مسیح به تمجید و تجلیل و اکرام بیانجامد،

همان ایمان که بس گرانبهاتر از طلاست که هر چند فانی است،

به وسیله آتش آزموده می شود.

۸: شما گرچه او را ندیده اید،

دوستش می دارید؛

و گرچه اکنون او را نمی بینید،

به وی ایمان دارید

و از شادمانی وصف ناپذیر و پر جلال آکنده اید،

۹: زیرا غایت ایمان خویش

یعنی نجات جانهایتان را می یابید.

مسائل و مشکلاتی که در زندگی ایمانداران رُخ می دهند، در مجموع (۶) جایی را می گیرند که مزبور می گوید:

مزبور ۲۳

۴: حتی اگر از وادی سایه مرگ نیز بگذرم،

از بدی نخواهم ترسید،

زیرا تو با منی؛

عصا و چوبدستی تو

قوت قلبم می بخشند.

این "قوت قلب" همان عصا و نشاطی است که یعقوب ۱: ۲ صحبت از آن کرده است.

۳. آرامش

آرامش “ایرین” (eirene) وابسته و قسمت عمده نشاطی است که صحبت از آن کردیم.

فیلیپیان ۴

۴: همیشه شاد باشید؛

باز هم می گویم: شاد باشید.

۵: بگذارید ملایمت شما بر همگان آشکار باشد.

خداوند نزدیک است.

۶: برای هیچ چیز نگران نباشید،

بلکه در هر چیز با دعا و استغاثه،

همراه با شکرگذاری،

در خواستهای خود را به خدا ابراز کنید.

۷: بدین گونه، آرامش خدا که فراتر از تمامی عقل است،

دلها و ذهنهایتان را در مسیح عیسی محفوظ نگاه خواهد داشت.

من چیزی بیش از آنچه قبلاً راجع به آرامش (شالم در عهد قدیم) صحبت کرده ام (فیلیپیان ۴: ۶ تا ۹) اضافه نخواهم کرد. پولس خود اعتراف می کند “آرامش خدا که فراتر از تمامی عقل است” را نمی توان با عقل دریافت. انسان محدود، نمی تواند آنچه نامحدود است (خدا) را بقدر کافی تعریف نماید.

۴ و ۱۲. صبر و بردباری

کلمه یونانی “ماکروتومیا” (makrothumia)، که به فارسی صبر ترجمه شده، معنی “خوش اخلاق / تصلّت بر اعصاب” را نیز دارد. تصلّت بر اعصاب نیز از دو قسمت “تحمل دیگران” و “توانائی جلو گیری خود” تشکیل شده. در خصوص تحمل دیگران می بینیم که محبت و بردباری به یکدیگر متصلند (همان گونه که نشاط و آرامش اتصال بهم دارند):

اول قرننتیان ۱۳

۴: محبت بردبار و مهربان است؛
محبت حسد نمی ورزد؛
محبت فخر نمی فروشد
و کبر و غرور ندارد.

بردباری (تحمل دیگران) را می توان به این شکل برداشت کرد: هر مسیحی دوره رشد روحانی خودش را دارد و ما نمی دانیم در چه دوره از رشد خودمان هستیم، چه رسد به دیگران!

متی ۲۵
۱۵: به فراخور قابلیت هر خادم،
به یکی پنج قنطار داد،
به یکی دو و به دیگری یک قنطار. آنگاه راهی سفر شد.

منظور از "به فراخور قابلیت"، مقایسه قابلیت یک مسیحی با مسیحی دیگر نیست، بلکه قابلیتی که برای استفاده از آنچه خدا به او داده (استفاده از قنطار/عطایا) می باشد. جایی برای مقایسه و حسادت باز نشده. قابلیت انجام کار بخصوصی که خدا برای او تعیین کرده، به او داده شده. از ازل تعیین شده بود، و در حال رشد است، و در نتیجه نمی توانیم از هیچ جانبی از آن خورده بگیریم. همه در حال رشدیم، و خدا می داند چه لازم داریم و در وقت کاملش آن را بما خواهد داد. اگر ارزشی برای یکدیگر داریم، محبت مسیحی است که باید میان همدیگر رواج دهیم. پولس در رومیان ۱۲: ۱۴ تا ۲۱ (۷) نشان داده که جای خورده گیری چقدر محدود است و وقت لازم را باید به خدا داد تا کار خود را انجام رساند. شاید بهترین آیات که معنی (makrothumia) را بیان می کنند را در کولسیان ۱: ۹ تا ۱۲ می خوانیم:

کولسیان ۱
۹: از همین رو، از روزی که این را شنیدم،
از دعا کردن برای شما باز نایستاده ایم،
بلکه پیوسته از خدا می خواهم
که شما از شناخت اراده او در هر حکمت و فهم روحانی
پر شوید،
۱۰: تا رفتار شما شایسته خداوند باشد،
و بتوانید او را از هر جهت خشنود سازید:
یعنی در هر کار نیک ثمر آورید
و در شناخت خدا رشد کنید
۱۱: و با همه نیرویی که از قدرت پر جلال او سرچشمه می گیرد،
از هر حیث نیرومند شوید
تا صبر و تحمل بسیار با شادمانی داشته باشید.
۱۲: پدر را شکر گوئید که شما را شایسته سهم شدن در میراث مقدسین
در قلمرو نور گردانیده است.

پولس دعا کرد برای کولسیان تا ”از شناخت اراده او در هر حکمت و فهم روحانی پر شوید“. به عبارت دیگر، آموخته باشید چگونه راه خدا را در زندگی شخصی خود پیموده، و با ”رفتار شایسته“ و ”ثمر نیک“، میوه آورید. پولس از خدا می خواست کولسیان ”در هر حکمت و فهم روحانی“ پر شوند، تا بتوانند ”ثمر نیک آورند“ و ”صبر و تحمل بسیار با شادمانی داشته“ باشند. صبر خدا را اگر بخواهیم درک کنیم، می توانیم بیاد آوریم که خدا با وجود پاکی کاملش، یکایک ما را تحمل کرده و هنوز می کند. ما باید از او سرمشق بگیریم. از جانبی نیز در این آیات، وابستگی نشاط، صبر، و بردباری را می بینیم که هر چند جوانب مختلفی از ”میوه“ می باشند، نمی توان از هم سوا کرد. پولس می گوید اگر کولسیان ۱: ۹ تا ۱۲ را بگونه صحیح در زندگی بکار گذاریم، توانائی تحمل آنچه در حال تغییر است (hupomene) را خواهیم داشت، و آنچه لزومی ندارد تحمل کنیم را نیز بخاطر مسیح و نیکوئی به همسایه تحمل کنیم.

۵ ، ۶. مهربانی و نیکوئی

غلاطیان ۵

۲۲: اما ثمره روح، محبت، شادی، آرامش، صبر، مهربانی، نیکوئی، وفاداری،

کلمه مهربانی ”کرزتوتس“ (chrestotes) در عهد جدید، در رابطه با روحیه خدا نسبت به انسان استفاده شده، و به این شکل مهربانی را به ما معرفی کرده. این خاصیت دیگری است که ”در پی“ آن باید بود. در لغت نامه سترانگ، (chrestotes) معنی اخلاق عالی، روحیه با محبت و مفید را نیز دارد. اما چون آیه خاصی که دقیقاً نشان دهد این مهربانی چگونه است و چطور می توان آن را بدست آورد، باید ببینیم به چه نحوی از آن در کلام استفاده شده. ابتدا در رومیان ۱۱: ۲۲، مهربانی (chrestotes) را می بینیم که در مقابل عکس آن، سختگیری ”آپوتومیا“ (apotomia) قرار گرفته،

رومیان ۱۱

۲۲: پس مهربانی و سختگیری خدا را در نظر داشته باش؛

سختگیری به کسانی که سقوط کرده اند،

اما مهربانی به تو،

البته به این شرط که در مهربانی او ثابت بمانی؛

وگرنه تو نیز بریده خواهی شد.

(apotomia) را می توان معنی ”دقیق و سرسخت“، ”خشن و زمخت“، و حتی بی رحم را اضافه کرد (البته نه در رومیان ۱۱: ۲۲). البته (chrestotes) بر عکس، و مخالف آن است. این خاصیتی است که باید دریافت کرد. طبیعت قدیم ما در گناه به دنیا آمد و (apotomia) جزعی از آن بود. حال که حیات جدید را داریم، باید مهربانی (chrestotes) را بیاموزیم تا، چنین خواصیتی

را خدا در ما جایگزین کند. البته خدا است که انجام می‌رساند و در وقت مناسب خود آن “میوه” را بار می‌آورد، ولی در کیست که آن میوه بار آورده می‌شود؟ در ما است. در این صورت باید:

- (۱) آن را از خدا بخواهیم تا به ما داده شود (دل)، و
- (۲) آن را شامل زندگی روزانه خود کنیم (عمل).

از جانب دیگری، در غلاطیان ۵: ۲۲ می‌بینیم (**chrestotes**) در دنباله خود، “آگاتوسون” (**agathosune**) را دارد که معنی فعال در نیکوئی است. در این صورت نتیجه می‌گیریم، که (**chrestotes**) صحبت از جانب درونی دل (خوش اخلاقی، محبت) می‌کند، و (**agathosune**) صحبت از ثمر آن خوش اخلاقی و محبت (اعمال نیکو، ابراز محبت، انجام کار های مفید) می‌کند. یکی مربوط به فکر ایماندار است، و دیگری رفتار ایماندار. محبت (خدا) ابتدا در دل جای می‌گیرد و بعد نور خود را می‌افشاند:

متی ۵

۱۴: شما نور جهانید.

شهری را که بر فراز کوهی بنا شده نتوان پنهان کرد.

۱۵: هیچکس چراغ را نمی‌افروزد

تا آن را زیر کاسه ای بنهد،

بلکه آن را بر چراغدان می‌گذارد

تا نورش بر همه آنان که خانه اند، بتابد.

۱۶: پس بگذارید نور شما بر مردم بتابد

تا کارهای نیکتان را ببینند

و پدر شما را که در آسمان است، بستایند.

معمولاً مهربانی و نیکوئی همراه یکدیگر می‌باشند و تغییر افکار و رفتار را نشان می‌دهند که محبت خدا سرشت آن‌ها است. هر دو را باید آموخت تا بتوان خاصیتی که در محبت خداست را دریافت کرد. آنچه باید از میان برداشته شود “جاه طلبی” (خود خواهی است):

يعقوب ۳

۱۴: اما اگر در دل خود حسد تلخ جاه طلبی دارید،

به خود مبالید و خلاف حقیقت سخن مگوئید.

۱۵: چنین حکمتی از بالا نازل نمی‌شود،

بلکه زمینی و نفسانی و شیطانی است.

قدم اول در این راه توبه مسیحی است (۷). باید به آنچه توکل داشته ایم (و باعث مسئله شده) اعتراف کنیم تا وسیله حضور خدا برای ما فراهم شود. خدا می‌خواهد ترکیب ننگین آنچه ما را

به شیطان وابسته کرده بود را خود ببینیم. روح پلید باید کنار برود تا روح القدس جای آن را بگیرد. قدم دیگر آموزشی است که از مسیح می گیریم، و ما را در مسیر پاکسازی هدایت می کند. محبت مسیحی از آنجا بر می خیزد که روحیه ای که از خدا است (روح افکار و روح رفتار)، در ما ”میوه“ آورد.

حال ببینیم چگونه می توانیم این روحیه و رفتار را در خود پرورش دهیم. در صدر هر چیز باید بیاد داشته باشیم، خواست خدا است که ما این روحیه و رفتار را داشته باشیم. به این صورت می توانیم اطمینان داشته باشیم که روح القدس ما را در این راه یاری خواهد کرد. حال برای برداشت بهتری از این مطلب مثالی را در نظر بگیریم. کدام صحیح است؟

۱. از فرزندمان بخواهیم هر وقت برنامه تلویزیون تمام شد به خواست ما رسیدگی کند، یا دستور بدهیم فوراً تلویزیون را خاموش کند و از ما اطاعت کند؟
۲. از کار فرمایان بخواهیم رفاه کارمندان و کارگران را در نظر بگیرند، یا تنها سود سالانه مد نظرشان باشد؟

این دو نشانگر دو قطب مخالف مهربانی ”کرزتوتس“ (chrestotes) و سختگیری ”آپوتومیا“ (apotomia) می باشند که نیاز تغییر را از سوئی به سوی دیگر آشکار می کنند. نیاز به تغییر افکار و رفتار دارند. تنها خواستن ابراز محبت به دیگران کافی نیست. اجرای آن نیز لازم است. اجرای آن نیز خصوصیات خود را در کلام دارد. تغییر افکار و رفتار هر دو در یک آیه نام برده شده اند:

اشعیا ۵۵

۸: خداوند می فرماید

- «افکار من افکار شما نیست و نه راههای من، راههای شما
۹: زیرا چنانکه آسمان از زمین بلندتر است،
راههای من نیز از راههای شما
و افکار من از افکار شما بلندتر است.»

منظور، محبتی است که در دل جای می گیرد و تمرکز بر دیگران (همسایه) دارد و طریق ابراز آن را برای خود مکتوف می سازد. چگونگی ابراز آن نیز مربوط به موقعیتی است که موجود است و کلام خدا هر موقعیتی را در نظر گرفته است. اساساً، لازم است مشاوران خود از مهربانی ”کرزتوتس“ (chrestotes) خدا نسبت به انسان که پولس در تیتوس ۳: ۴ و ۵؛ رومیان ۱۱: ۲۲؛ افسسیان ۲: ۷ نشان داده (تنها پولس از این واژه استفاده کرده) شناخت خوبی داشته باشند.

تیتوس ۳

- ۴: اما چون مهربانی و انساندوستی نجات دهنده ما خدا، آشکار شد،
۵: ما را نه به سبب کارهای نیکویی که کرده بودیم،
بلکه از رحمت خویش نجات بخشید،
به غسل تولد تازه و نو شدنی که از روح القدس است؛

رومیان ۱۱

۲۲: پس مهربانی و سختگیری خدا را در نظر داشته باش؛
سختگیری به کسانی که سقوط کرده اند،
اما مهربانی به تو،
البته به این شرط که در مهربانی او ثابت بمانی؛
وگر نه تو نیز بریده خواهی شد.

افسیسیان ۲

۷: تا در عصر آینده،
فیض غنی و بی مانند خود را در مسیح عیسی،
به واسطه مهربانی خود نسبت به ما نشان دهد.

وقتی محبت خدا نسبت به انسان را مطالعه می کنیم، می بینیم که شامل *روحیه* "مهربانی" (*chrestotes*) است که از روح القدس سرچشمه می گیرد، و *رفتاری* ("به ما نشان دهد") است (*agathosune*) که در نیکوئی به دیگران *انجام* می گیرد. "آگاتوسون" (*agathosune*) سه بار دیگر در عهد جدید (علاوه بر غلاطیان ۵) مصرف شده است:

دوم تسالونیکیان ۲

۱۶: خود خداوند ما عیسی مسیح و پدر ما خدا
که ما را محبت کرد
و به فیض خود به ما دلگرمی جاودانی و امیدی نیکو بخشید،
۱۷: شما را دلگرمی بخشد
و در هر کردار و گفتار نیکو استوار گرداند.

افسیسیان ۵

۸: شما زمانی تاریکی بودید،
اما اکنون در خداوند نور هستید.
پس همچون فرزندان نور رفتار کنید
۹: زیرا ثمره نور،
در هر گونه نیکوئی، پارسائی و راستی است.

رومیان ۱۵

۱۴: ای برادران،
من خود اطمینان دارم که شما خود از نیکوئی مملو،
و از معرفت کامل بر خوردارید
و به پندگفتن به یکدیگر نیز توانائید.

کلمهٔ «دلگرمی» در آیات ۱۶ و ۱۷، شامل صلح و صفا و آرامشی است که، از نجات خدا و ایمانی که به او داریم در (دل) ما جای می‌گیرد. این دلگرمی نیز، نیاز به شراکت با دیگران دارد. خدا آن را ساخته.

فیلیپیان ۲

۱۳: زیرا خداست که با عمل نیرومند خود،
هم تصمیم و هم قدرت انجام آنچه را که خوشنودش می‌سازد،
در شما پدید می‌آورد.

وقتی روح القدس ساکن باشد، طبیعتاً میوه می‌آورد («زیرا خداست که با عمل نیرومند خود»، و آن میوه در «انجام آنچه را که خوشنودش می‌سازد». محبت خدا را می‌توان عکس عدالت دنیا نامید. عدالت می‌گوید، «حقش را کف دستش می‌گذارم»؛ اما محبت خدا می‌گوید، «خیر، من آنچه نیاز به آن دارد را به او خواهم داد».

۷. ایماننداری (وفاداری)

کلمه «پِستیس» (**pistis**) که در زبان یونانی «ایمان» یا «ایماننداری» ترجمه شده در اول و دوم تیموتاوس نیز بکار برده شده:

اول تیموتاوس ۶

۱۱: اما تو ای مرد خدا، از اینها همه بگریز،
و در پی پارسائی و دینداری و ایمان و محبت و پایداری و ملایمت باش.

دوم تیموتاوس ۲

۲۲: از امیال جوانی بگریز،
و به همراه آنان که با دلی پاک خداوند را می‌خوانند،
در پی پارسائی، و ایمان و محبت و صلح باش.

در هر دو آیه، کلمه (**pistis**) معنی ایماندار بودن دارد (توجه به استفاده ای که در سراسر دوم تیموتاوس از آن شده نمائید). قابلیت (**pistis**) نه تنها صحبت از قابلیت ایمان خود ایماندار می‌کند، بلکه صحبت از قابلیت بازتاب آن در جامعه (اعتبار، اطمینان، اعتماد، امانتداری، وفاداری، تابعیت، و توکل ایماندار) نیز، می‌کند. ابتدا (**pistis**) باید در دل حضور داشته باشد تا قابلیت انتشار آن را بدست بگیرد (لبریز گردد). دورهٔ تکامل خود را لازم است بگذراند تا پرورش یابد.

سپس طرح اجرا (یا ابراز) آن پیش خواهد آمد (خدا پیش می آورد). موقعیت باید قبل از شروع سنجیده شود (از هر لحاظ)، و سپس با تمام وجود، جلال به عیسی مسیح آورده شود.

متی ۵

۱۵: هیچکس چراغ را نمی افروزد تا آن را زیر کاسه ای بپند، بلکه آن را بر چراغدانی می گذارد تا نورش با همه آنان که در خانه اند، بتابد.

مسئله عمده ای که مشاوران در طول خدمتشان با آن مواجه شده اند، بی ایمانی متقاضیان است. در بسیاری از جهات غیر قابل اطمینانند. نمی توان اطمینان داشت که به حرفشان عمل بکنند، تکالیف را به موقع تحویل دهند، و حتی در جلسات حضور یابند. دلایل بسیاری هست برای این گونه اشکال ها، و هر یک را مشاوران باید در رابطه با خصوصیاتش کاوش و رسیدگی کنند. ممکن است بخاطر آن است که متقاضی هنوز ایمان نیاورده، یا اگر ایمان آورده، ممکن است بخاطر رفتار های عادت شده سهل انگاری است، یا از ضرری که مسئول نبودن دارد خبر ندارد. در مجموع، می توان زیر بنای همه اینگونه ضعف ها را بی نظمی و بی انضباطی دانست. بی نظمی و بی انضباطی خود زیر بنای مسائل و مشکلات دیگری نیز می شوند. می توان گفت ایمانداران در مجموع، نیاز به آموختن طرح و برنامه روزانه و ماهانه زندگی دارند. این کاری است که باید آموخته شود و تکرار گردد تا میوه آورد. این از خدمات عمده ایست که مشاوران مسیحی عهده دارند. من راجع به این موضوع در کتاب ”مسیح و مشکلات شما“ (۸)، به قدر کافی صحبت کرده ام و اگر لازم باشد می توان به آن رجوع کرد. در دوم تیموتائوس ۲: ۲۲ جنبه عملی ”ایمان“ را مشاهده می کنیم. متقاضیان باید از اهمیتی که وفاداری دارد آگاه بشوند، نه تنها به همسر، والدین، کار فرما، و غیره، بلکه به عیسی مسیح. ایمانداران خادمین عیسی مسیح هستند. آنگونه که هستند، و هر چه دارند را، خدا برای انجام مقاصد نیکوی خود مورد استفاده قرار می دهد. پول و مالشان، وقتشان، عطایایشان، همه برای انجام مقاصد خدا به آنها داده شده. البته اینطور نیست که حق استفاده و لذت از آنها را ندارند. ولی مالک نیستند، سرایدارند. پولس در اول قرنیتیان ۴: ۱ و ۲، صحبت از ”خادمین“ و ”مباشران“ مسیح کرده، ولی در حقیقت هر مسیحی خادم و مباشر مسیح می باشد و باید معنی وفاداری و امانت را بیاموزند.

اول قرنیتیان ۴

۱: پس همگان باید به ما به دیده خادمان مسیح و مباشرانی بنگرند که رازهای خدا به آنان به امانت سپرده شده است.
۲: و حال انتظاری که از مباشر می رود این است که امین باشد.

راجع به وفاداری (”امین“) در کلام خدا صحبت زیادی شده: متی ۲۴: ۴۵؛ ۲۵: ۲۱ و ۲۳؛ لقا ۱۲: ۴۲؛ ۱۶: ۱۰ تا ۱۲؛ ۱۹: ۱۷.

۸. فروتنی

حال می رسیم به پرائوتس (**prautes**) یعنی ”فروتتی“. کلمه ایست که تا بحال برداشت ناصحیحی از آن شده. بسیاری فکر می کنند فروتنی معنی ضعف و سر بزیر بودن دارد. این برداشت صحیحی نیست. موسی فروتن بود، ولی به هیچ عنوان ضعیف نبود. فروتنی روحیه ایست آرام، لطیف، ملایم، مهربان، نجیب، حلیم، وفادار. کارش تسکین دادن، آرام کردن، و ابراز محبت است (مانند پُمادی که آرام می سازد؛ روغنی که مرهم را به زخم می رساند). ایماندار فروتن، می داند چگونه از روغن برای آرام کردن آب های متلاطم زندگی بکار ببرد (بدون آنکه مسائل را نادیده بگیرد).

فروتتی معنی تواضع را نیز دارد؛ از خود گذشتگی می کند بدون آنکه تسلط بر خود را از دست بدهد. انسان فروتن به دنیا نمی آید. خدا چنین فردی را می سازد تا تواضع بخرج دهد. مغرور نمی باشد چون خدا به او آموخته چگونه ”با فروتنی دیگران را از خود بهتر“ بداند.

فیلیپیان ۲

۳: هیچ کاری را از سرِ جاه طلبی یا تکبر نکنید، بلکه با فروتنی دیگران را از خود بهتر بدانید.

اتفاقاً قدرت او در همین فروتنی اوست؛ فروتتی او امکان آن را می سازد تا وارد زندگی دیگران بشود و آنها را به راه حقیقت یاری کند. نتیجتاً می توان گفت فروتنی خاصیتی است که ایماندار را توانا می سازد تا بداند: چه زمانی حرف بزند یا عمل کند، چگونه حرف بزند یا عمل کند، و متکی به خدا بماند. طریق استفاده از فروتنی در مشاوری مسیحی را پولس در ابتدای فصل ششم نشان داده:

غلاطیان ۶

۱: ای برادران، اگر کسی به گناهی گرفتار شود، شما که روحانی هستید او را با ملایمت به راه راست باز گردانید. در عین حال، به هوش باش که خود نیز در وسوسه نیفتی.

منظور از ”ملایمت“ این نیست که گناه را نادیده بگیرد (یا تنها با گناه کار همدردی کند)، بلکه ایماندار را ”با ملایمت به راه راست“، یعنی آنچه خدا راجع به موضوع گفته را (گناه مورد نظر) برای او ”باز“ گرداند (توضیحات لازم را بدهد). به عبارتی می تواند بگوید، ”برادر (خواهر) عزیز، من این حرف ها را نمی زنم چون فکر می کنم از شما بهترم. من هم مثل شما، گناه کاری هستم که زیر دست خدا در حال پاکسازی در مسیح می باشم. فکر می کنم بتوانم به شما کمک کنم. آیا می خواهید به شما کمک کنم؟“ به این شکل موانع اخلاقی و بیم ایماندار از شما کاسته می گردد. اما اصل موضوع رساندن کلام خدا است.

۹. خویشتنداری

آخرین خاصیتی که در غلاطیان ۵: ۲۳ می بینیم اکراتیا (egkrateia) «خویشنداری» است. فقدان خویشنداری (egkrateia)، پایه و اساس مسائل و مشکلات بسیاری می گردد. در زندگی گذشته ما خویشنداری کار بسیار مشکلی بود. زمانی که عادت کرده بودیم برای حفظ زندگی خود تلاش و عجله کنیم، خویشنداری کار مشکلی بود. خویشنداری نشانه ضعف بود! اما حیات تازه ما، ما را تدریجاً در شباهت عیسی رشد می دهد تا جایی که بتوانیم صبر و خویشنداری را روزانه بکار ببریم. تا جایی که بتوانیم تشخیص بدهیم چه مربوط به ما می باشد و چه مربوط به خدا. متأسفانه در بسیاری از متقاضیان خویشنداری دیده نمی شود. زمانی که متقاضی بطور ناگهانی (یا میان حرف) موضوعی را بیان می کند، یا عجله دارد حرفش را بزند (نمی تواند پیش خود نگاه دارد)، این را می توان فقدان (عدم وجود) خویشنداری فرض نمود.

متی ۱۶

۲۲: اما پطرس او را به کناری برد و سرزنش کنان گفت:
 «دور از تو، سرورم! مباد که چنین چیزی هرگز بر تو واقع شود».
 ۲۳: عیسی روی برگردانیده، به او گفت:
 «دور شو از من، ای شیطان! تو مانع راه منی،
 زیرا افکار تو انسانی است نه الهی».

آنچه مربوط به خدا می باشد در دست اوست، و آنچه مربوط به انسان می شود پیروی از اوست. مبنای بسیاری از مسائل و مشکلات متقاضیان را کلام خدا هوس شناخته است،

اول قرنطیان ۷

۹: اما اگر خویشنداری نمی کنند،
 همسر اختیار کنند،

زیرا ازدواج از سوختن در آتش هوس بهتر است.

خدا راه فرار از هوس را فراهم ساخته (هر نوع به طریق خود)، ولی به مشاورانی احتیاج دارد تا آیات مربوط را برای متقاضیان «باز» کنند (رابطه ای که با مسئله دارد را نشان دهند) تا مفهوم آیات را بتوانند جذب کنند.

بخاطر دل احساس گرایی که انسان با آن به دنیا آمده، انضباط و خویشنداری جایی در زندگی او نداشته. احساس، حاکم بر افکار و رفتار انسان بوده و هست. خشم، اندوه، ناامیدی، درماندگی، هر یک به نوعی خود را در متقاضیان نشان می دهند. خدا در مورد هر یک گفته چه تغییری باید صورت بگیرد و چگونه اجرا گردد (خدا را شکر). انسان با خویشنداری به دنیا نمی آید. چیزی است که باید بیاموزد (کسب کند). باید در دعا از خدا بخواهد تسلط بر خود داشته باشد (بتواند در مواقع ضروری جلوی خود را بگیرد). (egkrateia) معنی «خودداری» و «نگاه داشتن» را نیز دارد.

انضباط روحانی است که این خواسته را بوجود می آورد. انضباط روحانی، نیاز به طرح برنامه و اجرای مکرر آن دارد. زمانی که ایماندار در حال اجرای برنامه حکم خدا می شود، روح القدس دل او را به جانب روح و نفس خدا تمایل می سازد. و در این میان است که دلش تغییر می کند،

حزقیال ۳۶

۲۶: و دلی تازه به شما خواهم بخشید
و روحی تازه در اندرون‌تان خواهم نهاد
و دل سنگی را از پیکر شما به در آورده،
دلی گوشتین به شما خواهم داد.

کل تغییر از دل آغاز می‌گیرد. هر چه بیشتر تکرار شود، زمینه بیشتری برای کار روح القدس فراهم می‌گردد و آنچه ایماندار بدست می‌آورد، تسلط بر نفس و روح خداست (که در اوست).

۱۰. پارسائی

در هر دو آیه اول و دوم تیموتاوس، پولس به تیموتاوس می‌گوید ”در پی پارسائی“ باش.

اول تیموتاوس ۶

۱۱: اما تو ای مرد خدا، از اینها همه بگریز،
و در پی پارسائی و دینداری و ایمان و محبت و پایداری و ملائمت باش.

دوم تیموتاوس ۲

۲۲: از امیال جوانی بگریز،
و به همراه آنان که با دلی پاک خداوند را می‌خوانند،
در پی پارسائی، و ایمان و محبت و صلح باش.

”پارسائی“ در کلام خدا ”دیکالوسون“ (dikalosune)، کلمه ایست که مورد استفاده زیادی قرار گرفته (۶۶ بار در نوشته های پولس). ابتدا لازم است فرق میان پارسا شمردن و پارسا بودن شناخته شود. کسی که برای اولین بار به عیسی مسیح ایمان می‌آورد از جانب خدا پارسا شمرده می‌شود. اما خدا این پارسائی را در زندگی ایماندار پرورش نیز می‌دهد تا شباهت عیسی در او ظاهر گردد. این آیات صحبت از پارسائی می‌کنند که از طریق روح القدس در زندگی پرورش می‌یابد. کسی که پارسا است، پر از حق شناسی و حقیقت است. شخصیت او تمایل به انجام آنچه صحیح است دارد. گناهانش را هیچوقت توجیه نمی‌کند. راهی برای فرار از احکام خدا نمی‌جوید و بهانه نمی‌گیرد. او مانند خدایش، از نیکوئی لذت می‌برد و می‌داند که کلام خدا چراغ زندگی اوست. در نتیجه، کلام را عمیقاً مطالعه می‌کند (۹) و راه اجرای آن را در زندگی خود می‌یابد، تا پارسا بگردد (یا بشود).

۱۱. دینداری (رابطه با مسیح)

کلمه دینداری ”اوسبیا“ (eusebeia) را معمولاً در رابطه با خدمت کشیش ها می‌بینیم. منظور این است که زندگی خود کشیش (مشاور)، باید خداگانه باشد تا بتواند خداگانگی را به دیگران

بیاموزد. اما این خاصیت مختص کشیشان نیست، بلکه هر ایمانداری باید آن را بخواهد و در راه کسب آن کوشش نماید. مگر کلام خدا چراغ پای او نیست. دینداری نشانه تقوا نسبت به خدا، و رابطه او با دیگران است (مثلاً احترام به والدین). هیبتی است که در زندگی ایماندار نفوذ می کند و او را خداگانه می گرداند. منظور تنها فعالیت های کلیسایی نیست، بلکه نوع زندگی است (افکار و رفتار) که در ستایش خدا، تمام افکار، گفتار، و رفتار های ایماندار را تحت پوشش خود قرار می دهد. (eusebeia) باید همیشه روح محرک (نیروی) ایماندار (در هر موقعیتی) باشد (تجاری، علمی، فرهنگی، خانوادگی، و غیره).

گفتیم که دینداری تنها در کلیسا نیست. کلیسا مکان احیای نیرو، و دریافت کمک های لازم، برای خدمت در خارج از کلیسا است. کلیسا به ما جان می دهد (نیروی تازه روح القدس) تا برای هفته آینده، خود را مجهز کنیم. روابط میان فردی یک ایماندار، باید بر اساس رابطه او با خدا باشد. اما نوعی دینداری (روحانیت) نیز هست که حقیقت (eusebeia) ندارد،

دوم تیموتاوس ۳

۵: و هر چند صورت ظاهر دینداری را دارند،

منکر قدرت آن خواهند بود.

از چنین کسان دوری گزین.

ماهیت تو خالی دارد و صدمه بدی بر ملکوت خدا وارد می سازد. نقشه ای را در رفتارش دارد، و دامی برای هر کس که پذیرا باشد می افکند تا شاید دل رنج دیده خود را (از تاریکی) برای مدتی تسکین دهد (نیش زهر آلود خود را خالی کند). ایمانداران باید بدانند که امکان وجود چنین اشخاصی در کلیسا هست، و تنها در محبت روحانی خدا است (باز گوئی کلام خدا و طریق ایجاد (eusebeia))، که ایجاد می شود. (eusebeia) زمانی ایجاد می شود که ایماندار زندگیش را در جهت آن بگرداند،

اول تیموتاوس ۴

۷: تو را با افسانه های کفر و حکایت های پیر زنان کاری نباشد،

بلکه خود را در دینداری تربیت کن.

به عبارت دیگر، از قصد ("خود را در دینداری تربیت کن")، خدا را وارد تمام لحظات و امور روزانه خود بگردان (گوئی عیسی مسیح در کنار تو ایستاده). باید همیشه حضور ذهن به عیسی داشته باشیم. کلام خدا است که حضور ذهن را متمایل به عیسی مسیح می کند. بدین ترتیب، محتوای میوه روح القدس را (تا اندازه ای) بررسی کردیم. لازم است مشاوران مسیحی خود را با آن آشنا سازند. می توانند در صفحات خالی آخر کتاب مقدسشان، نموداری از آنها را با این خصوصیات تهیه کنند:

۱. معنی هر یک،

۲. کاربرد هائی از آن در مشاوره،

۳. راه هائی که می توان هر یک را رواج داد،

۴. آیاتی که هر یک در آن نام برده شده اند (۱۰).

به این شکل است که در جلسات مشاوره مورد استفاده قرار می گیرند. یک راه برای آنکه این موضوع ها در ذهنشان بماند این است که دو یا سه موعظه در رابطه با آنها ارائه دهد.

فهرست زیر نویس های فصل یازدهم

- (۱) کتاب ”راهنمای مشاوران مسیحی“، فصل ۳۰.
- (۲) فهرست خصوصیات در غلاطیان ۵، با وجود آنکه ناکامل می باشند، زمینه خوبی را برای شروع به کار فراهم می سازند. برای منظور ما در این مبحث، از خصوصیتی که در اول تیموتوس ۶: ۱۱ و دوم تیموتوس ۲: ۲۲ مشاهده می شود استفاده خواهیم کرد.
- (۳) من می توانم راجع به جنبه دیگر ”درآوردن“ نیز صحبت کنم، ولی بجای صرف وقت، ترجیه می دهم راجع به جوانب مثبت پردازم.
- (۴) مشاورانی که تازه خدمتشان را آغاز کرده اند، باید شرح کاملی از این آیات را بدست آورده باشند.
- (۵) در افسسیان ۳: ۱۸ می بینیم که معنی محبت را در روابط میان فردی بدست می آوریم.
- (۶) در وبگاه (www.moshaveremasihi.com)، بخش تدریس، نمودار های بصری از ”پاکسازی“ موجود می باشند که به گونه دیگری این موضوع را فاش می نمایند.
- (۷) ”چگونه بر شرارت غلبه کنیم“، در وبگاه (www.moshaveremasihi.com) / کتاب ها همچنین در وبگاه (www.moshaveremasihi.com)، بخش جزوات، ”مراحل پنج گانه توبه ایماندار“ را می توانید در نظر بگیرید.
- (۸) ”مسیح و مشکلات شما“، در وبگاه (www.moshaveremasihi.com) / کتاب ها.
- (۹) به کتاب من Four Weeks with God and Your Neighbor رجوع فرمائید.
- (این کتاب به زبان فارسی ترجمه نشده)
- (۱۰) گوشه هر یک از این آیات (در کتاب مقدس) می توان اشاره به نمودار نمود.